

پیرامون بولتن بحث

با انتشار "سوسیالیسم و انقلاب" بعنوان نخستین بولتن بحث سوسیالیستهای انقلابی، برای بسیاری از خوا - نندگان این سؤال طرح شد که : سوسیالیستهای انقلابی که ها هستند و بر سر چه مسائلی بحث میکنند؟ این سؤال و ابهام به این خاطر وجود آمد که این نشریه در ایسن باره ها حرفی نزده بود. (نه پلاتفرم تشکیل خود را ارائه کرده بود و نه هویت روشنی داشت)

در گفتگو با رفقای هیئت تحریریه بولتن خواستم که این موضوع را روشن کنند. هرچند قرار شد در نشریه شماره ۲ مسئله توسط رفقا توضیح داده شود، اما در ادامه صحبت ها معلوم شد که نه مسئله پلاتفرم و نه مسئله هویت هیچکدام چیزی نبوده که آنرا از قلم انداخته باشند. یا سهوی پیش آمده باشد. (همین را توضیح خواهند داد.) و بالاخره دریافتیم که اساساً دو نقطه نظر متفاوت از وضعیت کنونی خود و مرحله حاضر داریم. در نتیجه نظراتمان هم درباره ضرورت و اهداف بولتن تفاوت دارد. بهمین خاطر طرح نکاتی پیرامون اهداف بولتن، ضروری احساس شد :

تعیین مضمون فعالیت و لاجرم ضرورت و اهداف نشریه، بستگی مستقیم به ارزیابی ما از وضعیت مشخص جنبش و نیازهای مبرم و حیاتی آن دارد. بنابراین مجبوریم برای ترسیم وضعیت و نشان دادن ضرورت مزبور، بسه واقعیاتی اشاره کنیم که درباره اش همه و چه بسیار، گفته اند!

این واقعیات چیست؟

بجرات میتوان گفت که هم اکنون بیش از هر زمان دیگری تشتت و پراکندگی بر جنبش ما حاکم است. بی "برنامه" گی و دنباله روی سازمان ها و گروهها، طی یک پروسه طولانی، همراه با فرقه گرائی ها و بی مسئولیتی های این جریانات، بی اعتمادی شدید و کم سابقه ای را بین نیروهای جنبش کمونیستی پدید آورده است. این تشتت و پراکندگی بحدی است که هیچیک از گروه بندیهای مدعی مارکسیزم - لنینیسم نتوانسته اند هسته پروپا قسرمی از ثابت قدم ترین نیروهای انقلابی م. ل را حول نظرات خود متشکل کنند. روند تلاشی و اضمحلال گروه بندیهای سنتی و مبتنی بر نظریه های التقاطی، سرعت بی سابقه ای یافته است. با فروپاشی جریانات سنتریستی، نیروهای جدی و آنها که هنوز حساسیت انقلابی خویش را از دست نداده اند، به هواداری از انقلاب، ترازنامه شکست را ارزیابی میکنند و بتدریج درس میکشند، از گروه بندیهای سنتی می برند، با طرد فرقه گرائی ها و بینش پوپولیستی از دموکراسی خرده بورژوازی بسه مارکسیزم انقلابی روی می آورند. ویژگی و خصیصه بارز دوران کنونی، همانا شکل گیری گرایش سوسیالیسم

انقلابی (مارکسیزم انقلابی) و انتقال تدریجی نیرو به این گرایش است. گرایش مارکسیزم انقلابی عبارتست از: نقد ترازنامه شکست و رویکرد به راه حل پرولتری.

بدیهی است که این گرایش در مقطع کنونی نمیتواند به کلیه مسائل انقلاب و ضد انقلاب پاسخ داده، استرا - تژی و برنامه (تئوری) پرولتاریا را در انقلاب، ارائه نماید.

با اعتقاد ما مشخصه اصلی گرایش سوسیالیسم انقلابی (مارکسیزم انقلابی) در پیش رو قرار دادن دو وظیفه اساسی بازتاب می یابد. یکی: چرخش به جنبش کارگری - سازماندهی لایه آگاه و مبارز کارگران پیشرو. دیگری: بذل توجه جدی و غیر فرقه گرایانه به امر تدوین استراتژی انقلابی و برنامه (تئوری) - از طریق فعالیت مشترک و مبارزه اصولی سوسیالیستهای انقلابی، حول مسائل اساسی انقلاب و ارائه نتایج آن در بولتن بحث.

این دو وظیفه را باختصار توضیح میدهم:

۱ - توجه جدی به نقش و اهمیت سازماندهی پرولتاریای دارای آگاهی طبقاتی و ترویج ایده های سوسیالیستی در میان پیشگام کارگری، اگرچه عامل اصلی در چرخش به جنبش کارگری به حساب می آید و میبایست آنرا همواره محور اساسی فعالیت کلیه م. ل ها تلقی کرد، اما تاکید ما در شرایط کنونی از این روست که عدم درک این وظیفه مستقیماً "بمعنی ترک موضع انقلابی و همراهی با گرایش هایی است که در راستای تقویت آلترناتیوهای بورژوازی گام برمیدارند." (با اعتقاد ما اهمیت این وظیفه را میتوان با نقشی که مبارزه مسلحانه میتوانست در مقطع سال ۳۲ ایفا کند، مقایسه کرد.)

علاوه بر این، با توجه به مجموعه موانع ذهنی موجود در راه وحدت م. ل ها، درگیری و مداخله در جنبش کارگری سنگ محک، و یگانه راه عملی تصحیح و تنظیم مناسبات بین جریانات م. ل خواهد بود.

۲ - برای آنهاست که معتقدند مهمترین عامل در هرز رفتن نیروی انقلابی جنبش و تشتت موجود، فقیدان "برنامه" و استراتژی انقلابی بوده است و همچنین میپذیرند که دستیابی بدان مستلزم کار وسیع و همه جانبه ای (در زمینه های اقتصادی - سیاسی و ...) می - باشد و از طرفی اذعان دارند که هیچیک از گروهها و جریانات موجود، در گذشته بهر دلیل نکرده اند و امروز به تنهایی توان امکان انجام چنین تحلیلی و بررسی هایی را ندارند، نمیتوانند شناخت و تجربه محدود خویش را بعنوان "برنامه" ارائه دهند و بهمین سیاق، خود را محور تشکیل حزب کمونیست قلمداد نما -

باشیم ، با تجزیه در گروه‌بندی‌های سنتی و گيجسری ناشی از آن روبرو هستیم . هنوز به اندازه کافی علیه سوسیالیزم خرده‌بورژوازی مبارزه نکرده‌ایم ، به عبارت دیگر گرایش مارکسیزم انقلابی هنوز به یک جریان مارکسیست‌لنینیستی تبدیل نشده است .

حال آنکه ایسکرا محصول مرحله‌ای است که در آن سوسیال دموکراسی از یک برنامه تئوریک و عملی بر خوردار بود و مبارزه همه جانبه و بی‌امانی را علیه جریان‌ات بورژوازی‌بیرال و خرده‌بورژوازی به پیش برد ه بود . (ب) در حال حاضر گام نخست را برای تدارک حزب طبقه کارگر بر می‌داریم ، یعنی وظیفه محوری ما تدوین تئوری انقلابی و جلب لایه پیشگام کارگری به سمت مارکسیزم انقلابی است . حال آنکه ایسکرا محصول دورانی است که در آن محفل‌های سوسیال دموکرات شکل گرفته بودند و مضمون فعالیت حزبی سوسیال دموکراسی با شکل محفلی فعالیت آن در تعارض قرار گرفته بود . امر انحلال محافل و تاسیس حزب طبقه کارگر وظیفه فوری سوسیال دموکراسی محسوب می‌شد . اگر بخواهیم مطلب را باختصار بازگومناشیم ، باید بگوئیم که ایسکرا بدون کنگره دوم حزب سوسیال دموکرات روسیه بی معناست .

رفقا با طرح این مسئله که نشریه " سوسیالیزم و انقلاب " می‌باید بمثابة " ایسکرا " عمل کند ، در واقع دومسئله را پیش می‌کشند : اولاً " نشریه " سوسیا - لیزم و انقلاب " نقش " مروج ، مبلغ و سازمانده دستجمعی را ایفا میکند این بدین معناست که " سوسیالیزم و انقلاب " قطعاً بولتن بحث نیست . بعلاوه اگر نشریه سوسیالیزم و انقلاب نقش سازمانده دستجمعی را دارد پس گرایش‌ات شرکت کننده در این نشریه می‌باید منحل شوند ، تا حول نشریه متحد گردند و سازمان یابند . در شماره اول بولتن ، تنها از یک گرایش بنام گرایش سخن رفته است . سایر نویسندگان بدون اعلام هویت گروه‌بندی خود در نشریه مشارکت نموده‌اند ، بدینجهت سپردن نقش سازمانده دستجمعی به " سوسیالیزم و انقلاب " بمعنای انحلال س . ج . ف . خ . ا - گرایش سوسیالیزم انقلابی است . همچنین این بمعنای انحلال گروه‌بندی‌ها نیست که حتی از ایشان اسمی برده نشده است . لابد از نظر رفقا این اقدام مشابه انحلال محفل‌های سوسیال دموکرات روسیه است . اما بررسی دقیق انقلاب روسیه نشان می‌دهد که اگر ایسکرا ، به انحلال محفل‌های سوسیال دموکرات دست یازید بخاطر این امر بود که سوسیال دموکراسی روسیه را در حزب سوسیال دموکرات روسیه متشکل مینما - ید . حال آنکه اقدام رفقا تنها می‌تواند ، انحلال چند محفل و گروه باشد ، بی آنکه حزبی را ایجاد کند ، ثانیاً " اگر نشریه " سوسیالیزم و انقلاب ، نقش ایسکرا را ایفا میکند ، پس نباید از گرایش سوسیالیزم انقلابی صحبت کرد ، بلکه باید از جریان سوسیالیزم و انقلاب

سخن گفت ، یعنی جریانی که دارای برنامه تئوریک و عملی مشخصی است و جایگاه خود را در جنبش بین المللی کمونیستی مشخص کرده است . ولی تاکنون این " تحول " را ندیده‌ایم و بدان باور نداریم .

بهر رو هنگامیکه رفقا می‌گویند : " خط ما روشن و حرفهایمان صریح است ، هرکس بپذیرد ، در بولتن برویش باز است " با همین روحیه ایجاد ایسکرا روبرو هستیم . اما پیش کشیدن گام آتی ، در ربط با تحول کنونی ، تبدیل کردن مارکسیزم انقلابی به اصول ویژه است . این امر نشان از روحیه فرقه‌گرائی دارد ، زیرا مارکسیزم را چون راهنمای عمل و تئوری تحول در نظر نمی‌گیرد ، بلکه آنرا بدون توجه به نحوه توسعه جنبش کارگری ، چونان اصول ویژه مطرح می‌سازد ، هر قدر این اصول ، انقلابی هم باشند ، باز روح فرقه‌گرائی وجود خواهد داشت . هرآینه ما اصول معین نظری را بدون توجه به نحوه و مرحله توسعه جنبش کارگری به اصول ویژه خود تبدیل نمائیم این خطری است که بخصوص ما را در مرحله کنونی انتقال از گروه‌بندی های سنتی به گروه‌بندی‌های نوین کارگری تهدید میکند .

بهین جهت ، به رفقا دو پیشنهاد کردیم : اولاً " نشریه ای مختص " گرایش سوسیالیزم انقلابی " بوجود آوریم که در آن این گرایش به کار سیاسی - تشکیلاتی مستقل خود ادامه دهد . ثانیاً بولتن بحثی بوجود آوریم که در آن کلیه کسانی که بطور عملی از گروه‌بندی‌های سنتی بریده‌اند و بسوی استراتژی انقلابی و استقرار در جنبش کارگری روی آورده‌اند ، شرکت نمایند . هدف از این مباحثات ایجاد هسته رهبری انقلابی برای متحد کردن کلیه گروه‌بندی‌های سوسیالیستی است .

بجز این تکرار همان فرقه‌گرائی‌ها - تکرار همان اشتباهات و تکرار همان شکست‌ها خواهد بود .

رفقای تحریریه در مقابل پیشنهادات فوق میگو - یند : ما خودمان را به سطح محفل ، گروه‌های ورشکسته پائین نمی‌آوریم ... خط ما روشن و حرفهایمان صریح است . هرکس آنرا بپذیرد در بولتن برویش باز است .

ما رفقای هیئت تحریریه را به گفته های لنین درباره " ایسکرا " رجوع می‌دهیم و می‌خواهیم که به ما پاسخ مقنع بدهند .

ح

آذرماه ۶۱

رفیق ح ، پاسخ " مقنع " را در اعلامیه ای که ام‌فای خود را بر آن نهاده بود ، خواهد یافت (در همین شماره منتشر کرده ایم) . در ما پرنوشته های نشریه نیز ما پاسخ اغلب سوالات او را داده ایم . بیش از آنکه به بحث بیشتری بپردازیم ، اما ، تنها یک سوالات داریم : آیا هنگامی که فردی مواضع اعلام شده خود را تغییر می‌دهد ، اولین وظیفه او توضیح دلایل این تغییر موضع نیست ؟

ه . ت .

بازگردیم .

انقلابی ، مظهر حقیقت در برابر افتراست . این اما ، تمام مطلب نیست . وی مظهر سازمان انقلابی در برابر همه گروه بندی های ایدئولوژیک و سرکوبگر است ، یعنی مظهر آگاه انقلاب پرولتری و سوسیالیزم . در این راه ، گرچه وزن تمام ارتجاع به روی شانه های سنگینی می کند ، مظهر استمرار کار انقلابی است . این پرچمی است که کلیه انقلابیون ، به دور از هر شائبه ی خرده بورژوازی ، را گرد می آورد . مظهر هماهنگی علم و انقلاب است . نه پیشداوری و نه تنگ نظری ! تنها عده ی قلیلی گرد می آیند ، و از آن هاهم عده ای در برابر دشواری راه تاب نمی آورند . اما ، آنان که پایدار می مانند ، تاریخ آینده ، رهائی بشری ، را در کف خود خواهند داشت .

شرط آن ، رها کردن خود از قیود تشکیلات قلبی ، محافل توطئه گر و وراجی ، و سرسپردن به کار جدی است . هیچ شرط دیگری در میان نیست . نه امتیاز و نه حق ویژه ! هم چنان که در انقلاب پرولتری ، پرولتاریا حق ویژه ای مطالبه نمی کند چرا که نه ناحق ویژه بلکه ناحق مطلق بر او اعمال می شود ، در سازماندهی انقلابی تنها حق عبارت است از حق سازمان دهی خود برای انقلاب .

توضیحات

- ۱ - آنچه ارائه می شود ، فقط ترسیمی ناقص است . می باید اسناد این دوره بطر کامل گردآوری و ارائه شوند . از جمله : " چگونه وحدتی ؟ " ، " چه کسانی وحدت را نقض می کنند ؟ " ، " چگونه مبارزه ایدئولوژیک را به جلو سوق دهیم ؟ " ، " وظائف کارگران در انقلاب " ، " طرح برنامه ی عمل انقلابی پرولتاریا " ، . . .
- ۲ - " برله انقلاب " پس از یک دوره مباحثه در کمیته ی نظامی و به مثابه یک جمع بندی به تحریر درآمد .
- ۳ - این نوشته هم ، اکنون ، در دسترس مان نیست .
- ۴ - نوشته ی رفیق حسن جلالی .
- ۵ - این نوشته ، اکنون در دسترس مان نیست .
- ۶ - نوشته ی یکی از اعضای کمیته ی مرکزی (" علیه سازمان شکنی مبارزه کنیم ")
- ۷ - به شرح آن در موخره پرداخته ایم . ب ، رفقای چاپ و توزیع است .
- ۸ - مانند فدائیان اکثریت : از " خلق " به " ولایت فقیه " .
- ۹ - ما در شرح خود ، از جنبه های امنیتی پرهیز کرده ایم . خود چگونگی ضربه ، اکنون ، دیگر روشن شده است .

۱۰ - آپاراتچی ، آپارات را نه در انقلابیون همانا در اهرم ها و ابزارهای جسمانی تشکیلاتی می بیند .

واحدکارگری برحزب کمونیست ، به معنای اولویت قائل شدن برای خود بخودی به جای آگاهی است . " یعنی ، اگر نویسندگان سطور بالا ، در لابلای حملات ، لغت حزب را نیز مدام تکرار می کردند ، ر . ج . راضی می شد ؟ تمام مباحثات نشریه در ربط با فقدان حزب انقلابی و چگونگی ایجاد آن است در ربط با ضرورت برش از سوسیالیزم خرده بورژوازی و مبارزه با دموکراتیزم خرده بورژوازی . و دقیقاً " ، این است آن مساله ای که داد و فغان همه سانسورست ها را در آورده است . همه می گویند چرا صحبت از ورشکستگی سنتریزم می کنید ، چرا می خواهید محافل ما را کنار بگذارید ، چرا سانسورالیزم دموکراتیک را نقض می کنید ، چرا آنارشیست بازی در می آورید ، بیائید با هم مبارزه ایدئولوژیک کنیم ، با هم مشکلات این دوره را حل کنیم ، همه چه شکست خورده است ، ولی این وضع موقتی است ، بیائید همه با هم دور هم جمع شویم و مشکل را بررسی کنیم . و دقیقاً " ، هنگامی که سوسیالیست های انقلابی پاسخ می دهند ، خیر ، حل مساله فقدان رهبری انقلابی مستلزم درهم شکستن این محافل قلبی متکی بر وحدت های قلبی است - فریاد او حزب بلند می شود ! امیدواریم این مساله ر . ج . نباشد .

" این یک رویداد تصادفی نیست اما ساختن یک سازمان انقلابی باید آغاز شود - این بواسطه اوضاع جدید تاریخی و بواسطه دوران عمل انقلابی پرولتری طلب می شود . اما ، این کار فقط می تواند از فراز رهبران قدیمی ، کسانی که انرژی انقلابی را خفه کرده اند ، از فراز سر حزب قدیمی ، از طریق انهدام آن آغاز شود .

" البته ، بی فرهنگان ضد انقلابی فریاد خواهند زد : آنارشیزم ! " (لنین ، اضمحلال بین الملل دوم - ج ۲۱ ، ص ۲۵۲) .

خلاصه کنیم . برخلاف ر . ج . ، آنچه ما از مطالعه نشریه سوسیالیزم و انقلاب برداشت می کنیم اینست که نشریه ای است سوسیالیستی و در خدمت سازماندهی سراسری گروه بندی نوین سوسیالیزم انقلابی . یعنی ، نشریه ای است که در شرایط مشخص فعلی ، امر ساختن یک سازمان انقلابی سراسری را تدارک می بیند . از طرفی ، خود را بر محدودیت محافل وهسته ها مقید نمی سازد ، و از طرف دیگر ، همه گرایش های راکه به سوی سازماندهی گروه بندی طراز جدید (در گفتار و در کردار) جهت گیری کرده اند ، متحد می سازد : " ارگان واحد تبدیل به تجمع ارگانیک می شود . " و در این دوره انتقالی ، بولتن بحث سراسری سوسیالیست های انقلابی نیز باید باشد : نباید به انتظار روز فرخنده ای نشست که سرانجام سازمان واحد انقلابی به صورت یک تجمع ارگانیک وارد میدان شود . " این یک رویداد تصادفی نیست . "

فروغ - ۱۳۶۱/۹/۲۵

می‌کند (تصفیه و ...). این مسئله از یک سمت این ساخت را به یک سمت (گروه) تبدیل می‌کند و از طرف دیگر زمینه‌های فروپاشی‌اش را فراهم می‌گرداند. این ساخت همان طور که در اول آمد، واکنشی در مقابل‌کنش توده‌های تشکیلات است. کنشی که بر آشکار کردن تناقضات تکیه می‌کند و حل انقلابی آنها را خواستار است. در زمینه تشکیلاتی، این مسئله موثرترین حرکت در فروپاشی انقلابی این ساخت بشمار می‌رود که باید در عرصه تئوری (سیاست) تکمیل شود. (بدون داشتن تئوری انقلابی جنبش انقلابی هم نمیتواند وجود داشته باشد).

این است ماهیت واقعی پوپولیسم تشکیلاتی: تکیه بر همکاری اکثریت‌اعضاء که دارای گرایش‌ات متناقضی هستند، اما سازمان را در یک جهت واحد پیش می‌برند. جلوگیری از فعالیت‌خلاق توده‌ها و رشد افراد و جریا - ناتی که در آینده می‌توانند به تبلیغ آشکار فرمیسم بپردازند.

شرایط کنونی در حقیقت مراحل آخر طی این روند است و بنا بر آنچه گفته شد، میتوان آنرا بحران در پوپولیسم تشکیلاتی نامید. در بحران پوپولیسم درون تشکیلاتی نیز هم چون سایر اشکال آن، با گرایش‌ات گوناگون سروکار داریم. رشد فرمیسم، کج‌سری و تکوین نطفه‌های چپ‌انقلابی دیده می‌شود. در حقیقت این بحران، تشکیلات را به برخی عناصر متشکله‌اش منقسم (تجزیه) می‌گرداند، در اینجا خطوط فاصل بسیار خوب دیده میشود و به همین جهت میتوان گفت که گرچه حاکمیت پوپولیسم، عناصر بسیاری را در مبارزه طبقاتی مردود کرده است، اما شرایطی نیز برای رشد چپ‌انقلابی ایجاد کرده است که از این شرایط باید بیشترین استفاده را نمود. باید هرچه دقیق‌تر و وسیع‌تر به توضیح علل و ماهیت‌کاستی‌ها و طرح‌برنامه عمل انقلابی پرداخت.

حاکمیت یکساله پوپولیسم، ارگان‌های تشکیلاتی را دچار ضعف‌شدیدی نموده است، به طریقی که در دست زدن به هرکاری، مسئله امکان‌ات عملی و توان واقعی مطرح میشود. خود این مسئله یکی از عوامل مهم توجیه سیاست‌های نیم بند و سانتریستی پوپولیست‌ها به شمار میرود.

برنامه‌ی عمل نمی‌تواند تنها به طرح خطوط عام بسنده کند. می‌باید هرچه بیشتر به جزئیات پرداخت و شیوه برخورد انقلابی به مسئله استراتژی و تاکتیک انقلابی و مسئله چشم انداز، طرح استراتژیک و تاکتیکی تشکیلاتی (برنامه استحال‌ات آن) شکل‌ی فراسازمانی باید عرضه گردد. خطت‌فرا سازمانی این برنامه آن را به برنامه فراکسیسون انقلابی چپ‌بدل می‌گرداند.

پیروز باد انقلاب

شهریور ماه ۱۳۶۰